

کیهان

انسان بی‌دیگری شاید نتواند خود را چنانکه می‌خواهد مدیریت و اداره کند و به نیازهای متنوع و گوناگون خود پاسخ دهد. چنانکه نمی تواند بی دیگری به کمال مطلوب انسانی برسد. این نیاز به دیگری و اجتماع از روستک است که انسان به طور طبیعی نیازمند جفت و همسری در وهله نخست و دیگری از همنوعان در وهله دوم است تا بدین وسیله به نیازهای مادی و روحی خویش پاسخ دهد. در برخی از حالات ، نیاز انسان به دیگری تشدید می‌شود. از جمله این حالات می‌توان به حالت قیض یا گرفتگی اشاره کرد که بر اساس مشکلات درونی و بیرونی پدید می‌آید. دراین زمان است که دلداری یک فرد همسدم و همدل می‌تواند وی را از بسیاری از بحران ها و پیامدهای زنجار برهاند و در مسیر درست زندگی قرار دهد. نویسنده در این نوشتار به بررسی اهمیت غمگساری و تسلی‌بخشی پرداخته و این موضوع را از نگاه قرآن واکاوی کرده است.

اجتماع، نیاز طبیعی انسان

انسان در زندگی خود بیه تنهایی نمی‌تواند به همه خواسته‌ها و نیازهای مادی و روحی‌اش پاسخ دهد. شگفت اینکه قرآن نه

دیگری به هر‌عنوان و نامی ضروری و غیر قابل انکار است. انسان در برخی از شرایط و حالات نیاز شدیدتر و قوی‌تری به همراهی و بودن با دیگری احساس می‌کند؛ زیرا در برخی از زمان ها، عواطف و احساسات شخص بشدت متأثر از وضعیت درونی و بیرونی است که به تنهایی نمی‌تواند از عهده حل آن برآمده و راه بروترفتی برای خود بیابد. این حالت را حالت انقباض می‌نامند.

نمی‌توان منکر این مسئله شد که هر دو جنس زن و مرد از نوع بشر در حالاتی به دیگری نیازدارند تا در کنار آنان باشند. حتی مردان در حالت قیض نیاز به همراهی دارند و شاید غرور مردانگی و علل دیگری در ایشان موجب می‌شود تا نیاز خویش را پنهان کنند و به گوشه تنهایی بختند. بنابراین همین افراد اگر سنگ صبری را بیابند در کنارش آرام می‌گیرند ،هر چند که از علنی شدن احساسات خود پرهیز نداشته‌و غم و حزن خویش را در درون خود چال می‌کنند.

اهمیت و ارزش دلداری

دلداری، تسلا دادن ، غمگساری کردن فردی که به مصیبتی گرفتار آمده و در حالت پریشانی است و خاطر آشفته می‌دارد و تسکین بخشیدن به وی ، از رفتارهای اخلاقی و پسندیده‌ است که در همه جوامع بشری مورد توجه و تاکید است. از این‌رو کسانی که به این

دلداری و غمگساری در آینه قرآن

کار اقدام می‌کنند مورد ستایش و تجلیل قرار گرفته و به عنوان انسان کامل و سالم شناخته و تمجید می‌شوند.

خداوند در آیات چندی به مسئله غمگساری توجه کرده و آن را به عنوان یک فضیلت اخلاقی و هنجاری مورد ستایش قرار می‌دهد و حتی خود از راه های مختلف ارزش و اهمیت آن را گوشزد می‌کند.گاه به نمونه‌هایی اشاره می‌کند که در آن برخی از پیامبران را تسلی بخشیده و دلداری داده و گزارش آن را در قرآن ارائه می‌دهد و گاه دیگر، خواهان آن است که دیگران به عنوان انسان سالم و شخصیت سالم به این مهم توجه داشته باشند و از همدلی و دلداری دیگران بویژه در هنگام بلا و مصیبت کوهانی نکنند.

واژگانی چون «لا تحزن ، لاتخف و

در آیات ۲۳ تا ۲۷ نیز هنگامی که حضرت صالح به سبب تهدید تکذیب‌گران ، اندوهگین می‌شود و از تازش‌های بسیار خود بهره‌ای نمی‌برد، خداوند او را دلداری می‌دهد و از وی می‌خواهد تا صبر کند و ببیند که چه بر سر دشمنانش خواهد آورد و آنان را چگونه عدایی سخت می‌دهد.

بسیاری از پیامبران درمسیر دعوت به توحید و ایمان دچار سختی های بسیاری شدند و از اینکه مردم به خداوند ایمان نمی‌آوردند ناراحت و اندوهگین می‌شدند. اما خداوند در مقام دلداری ایشان برمی آمد تا آرامش

خداوند در آیات چندی به مسئله غمگساری توجه کرده و آن را به عنوان یک فضیلت اخلاقی و هنجاری مورد ستایش قرار می‌دهد و حتی خود از راه های مختلف ارزش و اهمیت آن را گوشزد می‌کند.

چگونه خداوند افزون بر دلداری و تسکین دل مادر ، به او روش حفظ و نگهداشت کودک از بلا و گرفتاری را می آموزد و دستور می‌دهد تا صندوقی ساخته و آن را به نیل افکند و منتظر باشد که چگونه فرزند به آغوش مادر باز می‌گردد.

پروین اعصابی این عشق و دلداری را به خوبی به تصویر کشیده است:

مادر موسی، چو موسی را به نیل در فکند، از گفتهی رب رب جلیل خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه گفت کای فرزند خرد بی‌گناه از نمونه های تاریخی وشگفت دیگری که قرآن گزارش می‌کند، دلداری و تسکین بخشی به حضرت مریم (س) از سوی خداوند است. وی که با اعجازی شگفت از راه دمیدن روح القدس در حالی که دوشیزه بود و ازدواج با مردی نداشت، آیینست شده بود ، این هراس و ترس را داشت که متهم به بی‌عفتی شود که نام خویش و خاندان طهارش را بندام کرده است، چنانکه این اتهام نیز به وی زده می‌شود. در این هنگام است که خداوند او را دلداری و تسکین می‌بخشد که در حال زایمان اندوهگین نباشد و کارها را به خدا و فرزندش بسپارد تا



منصور عزیزی

و سکونت را دوباره در جانشان منزل دهد. دلداری فرشتگان به لوط پیامبر(ص) هنگامی که همجنس بازان به درخانه وی ریخته و آن حضرت را با تهدیدهای مکرر خویش می‌آزردند

اهمیت آن را گوشزد می‌کند.گاه به نمونه‌هایی اشاره می‌کند که در آن برخی از پیامبران را تسلی بخشیده و دلداری داده و گزارش آن را در قرآن ارائه می‌دهد و گاه دیگر، خواهان آن است که دیگران به عنوان انسان سالم و شخصیت سالم به این مهم توجه داشته باشند و از همدلی و دلداری دیگران بویژه در هنگام بلا و مصیبت کوهانی نکنند.

چون مادر موسی (ع) را نیز دلداری و تسکین

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

مناسبی را به عمل آورد. گاه شدت تائر انسان نسبت به مسائل و رخدادها در اندازهای است که بدون دیگری نمی‌تواند از آن مرحله قیضی و انقباضی گذر کند و گام در حالت تعادل و اعتدال نهدی. شدت و ضعف واکنش‌های انسانی ، برخاسته از شدت موضوع و ارزش و جایگاه امری در نزد وی می‌باشد. به این معنا که اگر برای شخصی مسائل عرضی و شرفی ، مهم و اساسی باشد، هر گونه عاملی که به عرض و ناموس وی ضربه زند می‌تواند واکنش‌های شدید و عاطفی سختی را موجب شود.

در چنین حالتی است که دیگری می‌تواند با توجه به توانمندی ها و تاثیرگذاری مادی و معنوی ، در در ایجاد اعتدالی و تعادل شخص و شخصیت به وی کمک کند. عواطف انسانی و احساسات وی ، متأثر از هر عامل درونی و بیرونی می‌تواند دو شکل خاص را بروز دهد. حالتی نسبت به گذشته و از دست دادن امری که از آن به اندوه و حزن یاد می‌شود و دیگر حالتی است که نسبت به آینده در پیش می‌گیرد که از آن به ترس و خوف یاد می‌کنند. بنابراین دلداری باید این دو حالت حزن و ترس را از شخص بزدايد. رفع



منصور عزیزی

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶) گزارش های قرآنی درباره مصادیق و مسائل دلداری از سوی خداوند نسبت به انسان ها بیش از آن است که همه در این نوشتار کوتاه گزارش شود.ازاین رو به همین مقدار بسنده می‌شود.از این موارد و مصادیقی البته دلداری دادن خداوند به طور مستقیم که قرآن گزارش کرده می‌توان دریافت که انسان تا چه اندازه در مشکلات ریز و درشت و مادی و معنوی خویش نیازمند دلداری و تسکین است و این نیاز است که موجب می‌شود حتی خداوند خود به تسلا و دلداری دادن اقدام کند.

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

گزارش های قرآنی درباره مصادیق و مسائل دلداری از سوی خداوند نسبت به انسان ها بیش از آن است که همه در این نوشتار کوتاه گزارش شود.ازاین رو به همین مقدار بسنده می‌شود.از این موارد و مصادیقی البته دلداری دادن خداوند به طور مستقیم که قرآن گزارش کرده می‌توان دریافت که انسان تا چه اندازه در مشکلات ریز و درشت و مادی و معنوی خویش نیازمند دلداری و تسکین است و این نیاز است که موجب می‌شود حتی خداوند خود به تسلا و دلداری دادن اقدام کند.

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

گزارش های قرآنی درباره مصادیق و مسائل دلداری از سوی خداوند نسبت به انسان ها بیش از آن است که همه در این نوشتار کوتاه گزارش شود.ازاین رو به همین مقدار بسنده می‌شود.از این موارد و مصادیقی البته دلداری دادن خداوند به طور مستقیم که قرآن گزارش کرده می‌توان دریافت که انسان تا چه اندازه در مشکلات ریز و درشت و مادی و معنوی خویش نیازمند دلداری و تسکین است و این نیاز است که موجب می‌شود حتی خداوند خود به تسلا و دلداری دادن اقدام کند.

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

از وی و حیثیت و شرافتش دفاع کند.(مریم آیات ۲۳ تا ۲۶)

قرآن در آیات ۷ و ۱۰ سوره قصص دلداری را عامل بر طرف شدن حزن و اندوه شخص می‌داند. به این معنا که هنگامی که شخص به خاطر از دست دادن چیزی نگران و پریشان خاطر است و به مصیبتی گرفتار شده است، دلداری می‌تواند حزن و اندوه را از جانش بزدايد.

عضوی از اعضا دلداری دهد و حزن و اندوه را از دل‌هایشان بزدايد. بنابراین ، انسان برای اینکه اشخاصی را که به مصیبتی گرفتار شده اند از اندوه و حزن برهاند باید نگاهی مثبت به مسئله داشته باشد و به جوانب مثبت و سازنده مسئله و موضوع اشاره کند و از فقدان شخص و تاثیرات سوء آن بر زندگی آنان کمتر سخن بگوید.

۷ آیه سوره نمل این مطلب را به شکلی بسیار جالب تبیین می‌کند. هنگامی که حضرت موسی (ع) در شبی تاریک بی‌هیچ‌گونه امکاناتی حتی آتشی برای دیدن و گرم‌کردن ، با درد زایمان همسرش مواجه می‌شود، در آن شرایط سخت و بحرانی ، وقتی نوری را از کوهی می‌بیند با مثبت نگری ، خانواده را امیدوار می‌کند که بتواند از آن نور، آتشی بر گیرد تا راه بیجویند و خود رانیز گرم کنند. در حقیقت وی می‌کوشد تا در هنگام ترس و شرایط سخت بحران، خانواده‌خویش را دلداری و تسکین بخشد نه آنکه با بیان جنبه‌های منفی بر ترسرس و اندوهش بیفزاید. همین مطلب را می‌توان در کلام خداوند نسبت به مادر حضرت موسی (ع) جست وجو کرد که با بیان جنبه های مثبت می‌کوشد تا دل مادری دردمند را آرام کرده و حزن و اندوهش را از دلش بزدايد. (قصص آیه ۷)

به هر حال بیان جنبه‌های مثبت قضایا و رخدادها به جای بیان بخش‌های منفی می‌تواند عاملی برای غمگساری و از میان بردن حالت انقباض و ترس و حزن شود. از این رو خداوند در آیات ۲۱۴ سوره بقره به ماجلهان این گونه دلداری می‌دهد که شما با هر مصیبت و گرفتاری که بدان گرفتار می‌شوید، به خداوند نزدیک می‌شوید و از محبت و عنایت خاص او برخوردار می‌گردید. در آیه ۱۰۴ سوره نساء ماجلهان را این گونه دلداری می‌دهد که اگر به شما خسارت و زبانی رسیده است به دشمن خسارت بیشتری رسیده است.این نیز شیوه‌ای دیگر برای بیان مثبت قضایا و دلداری دادن به شخص مصیبت زده وخسارت دیده است که قرآن از آن بهره جسته است.

خداوند در آیات متعدد پیامبرش(ص) را

دلداری می‌دهد و با بیان تسلط مجدد پیامبر (ص) بر اسیران آزاد شده در صورت خیانت آنان (انفال آیه ۷۱) و با بیان حبس فراوانی مال منافقان و تاثیر منفی آن بر اعتقادات مسلمانان (توبه آیه ۵۵ و ۵۵) و چگونگی جان دادن سخت کافران (انفال آیه ۴۹ و ۵۰) و امدادهای غیبی در هنگام تنگناها برای مسلمانان (انفال آیه ۹) و امور دیگر می‌کوشد تا حزن و اندوه را از دل پیامبر(ص) بزدايد و او و مومنان همراهش را تسکین و دلداری دهد؛ زیرا هر چند که مخاطب در ظاهر پیامبر(ص) است ولی مخاطب اصلی مومنان هستند که همواره از این مسائل اندوهگین می‌شدند و یا نسبت به آینده ترس و نگرانی داشتند.

به سخن دیگر، گاه نیاز است که برای دلداری به شخصی به عللی چند، دیگری را مخاطب قرار داده و او را تسکین و دلداری بخشید و دیگران به طور غیر مستقیم تسلا و دلداری داده شوند.

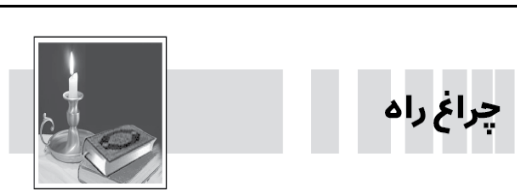
انسان در آن دنیا وقتی می بیند که امکان بازگشتی وجود ندارد و امکان ندارد کسی به حرفش گوش کند آنجا یک حرف خاصی به زبان می آورد، فریاد بر سر اهل بیتش می‌کشد می‌گوید: ای خانواده من، ای فرزندان من، دنیا با شما بازی نکند چنانکه با من بازی کرد. من از حلال و حرام جمع کردم و برای دیگران گذاشتم، خوشی و شادی‌اش برای آنها اما مسئولیت هایش برای من مانده است. بترسید از اینکه مثل آنچه بر من نازل شد بر شما هم فرود آید.

دوازدهمی فریاد می‌زند:«این تذهبون بی اینست تذهبون بی»، من را کجا می‌برید؟ من را کجا می‌برید؟
اما بهتر از همه اینس فریادها فریاد آخری است. اصل حرف، حرف اوست، و او وقتی می‌بیند که آنجا امکان بازگشتی وجود ندارد و امکان ندارد کسی به حرفش گوش کند آنجا یک حرف خاصی به زبان می‌آورد، فریاد بر سر اهل بیتش می‌کشد و می‌گوید:«ای اهل‌ی وُلْدِی لَا تَلْتَمِعْنِ بِکُم الدُّنْیَا کَمَا لَعَبْتُ بِی. جَمَعْتُهٔ مِنْ حَلٰلٍ وَغیرِ حَلٰلٍ وَخَلَفْتُهٔ لِغَیْرِی وَالمُهَنَّا لَهٗ وَالتَّوَلَّیْتُ عَلَیْ فَاحْذَرُوْا مِنْ مِثْلِ مَا نَزَّلَ، ای خانواده من، ای فرزندان من، دنیا با شما بازی نکند چنانکه با من بازی کرد. من از حلال و حرام جمع کردم و برای دیگران گذاشتم، خوشی و شادی‌اش برای آنها اما مسئولیت‌هایش برای من مانده است. بترسید از اینکه مثل آنچه بر من نازل شد بر شما هم فرود آید. (بحرالانوار ج ۷، ص ۱۷۴)
(۱۸۸)
بله در زندگی بازی کن اما با زندگی بازی نکن، دنیا جای بازی کردن نیست، دنیا جای شوخی نیست ، در برابر این آیات و روایات فقط باید به خداوند پناه برد باید از او مدد خواست تا در برابر این هشدارهای آسمانی بی‌حساب زندگی نکنیم.
❀آیت الله سید حسن عاملی

صفحه ۶

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳

۱۹ محرم ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۳۳



چراغ راه

شاخص‌های کتاب خدا

قال الامام علی(ع):علیکم بکتاب الله،فانه الحبل المتین،والنور المبین،والشفاء النافع،والری النافع،والعصمه للتمسک،والنجاه للتعنلق، لا یوذج فیقما،ولا یزیغ فیستعتب».
امام علی (ع) فرمود: بر شما باد به کتاب خدا؛ زیرا قرآن ریسمان محکم و نور آشکار و شفا‌ی وسوسمند و سرچشمه حیات و ستاوری برای متمسک و رهایی‌بخش است. کج نمی‌شود تا احتیاج به راست کردن داشته باشد و اشتباه نمی‌کند تا سرزنش گردد.^(۱)

۱- نهج البلاغه- خطبه ۱۵۶

حکایت خوبان



جایگاه و اهمیت

امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) فرمود: خداوند از آیه: المومنون والمومنات بعضهم اولیاء بعضی، یامرون بالمعروف وینهون عن المنکر(مائده-۷۸) امر به معروف و نهی از منکر را اولین فریضه قرار داد، زیرا اگر به انجام این فریضه اقدام گردد، تمام افراض چه آسان و چه دشوار عملی می‌شود. علاوه بر این امر به معروف و نهی از منکر، دعوت کردن به اسلام است، همکاری در طرد ستمگری‌ها و مخالفت با ستمگران، و دعوت کردن به تقسیم عادلانه بیت‌المال و غنائم، و گرفتن مالیات از چیزهایی که بر اسلام مشخص گردیده، و مصرف آن در جایگاه اصلی خویش است.^(۱)

۱- تحفالالمعقل،ص ۱۶۸

پرسش و پاسخ

دلایل مجهویت قرآن (۱)
پرسش:
چرا قرآن کریم در میان مسلمانان مهجور و مورد شکایت پیامبر اکرم(ص) قرار گرفته است؟
پاسخ:

تنها شکایت پیامبر (ص)

زندگانی با برکت و پرפרاز و نشیب پیامبر اکرم(ص) به گونه‌ای سیری گمشد که آن حضرت هیچگاه درباره سختی‌ها، مصیبت‌ها، جنگ‌ها و دشمنی‌ها و نفاق‌ها و... به‌خدا شکایتی نکرد، اما فقط در یک مورد آن هم در سوره فرقان آیه ۳۰ پیامبر اکرم(ص) به خدای متعال از قوم خودش گله می‌کند که آنها قرآن را در عمل مهجور کردند: «وقال الرسل: نابرب ان قومی همجنان اذلهوا هذا القرآن مهجورا» پیامبر اکرم(ص) فرمود: پروردگار! همانا قوم و ملت من این قرآن را در عمل رها کرده و به آموزه‌های وحیانی آن عمل نمی‌کنند.

اولویت‌دارترین و کاربردی‌ترین موضوع قرآنی
براساس این شکایت پیامبر اکرم(ص) اگر بخواهیم اولویت‌دارترین و کاربردی‌ترین موضوع قرآنی را مطرح کنیم، همین بحث مجهویت‌زدایی از قرآن است. زیرا این شکایت پیامبر(ص) به جهت ترک فعل مسلمانان نسبت به آموزه‌های وحیانی قرآن که غرض الهی از خلقت انسان است، الرسل: نابرب ان قومی همجنان اذلهوا هذا القرآن مهجورا» به عنوان یک کتاب زینتی و تشریفاتی مقدس در نزد مسلمانان در آمده باشد، شکایت پیامبر اکرم(ص) هم در مورد مسلمانان متعادل و ادامه خواهد یافت. بنابراین در هر عصر و نسلی بحث مجهویت‌زدایی از قرآن، یکی از اولویت‌دارترین و کاربردی‌ترین موضوعات قرآنی خواهد بود، اگر مسلمانان بخواهند مشمول شکایت پیامبر اکرم(ص) قرار نگیرند.

۱- از نظر لغوی:
کلمه مهجور در لغت مشتق از هجر به معنای ترک و رها کردن و نیز سبخت پیجویده و هذیان آمده است. در واقع مهجوریت یعنی جدایی انسان از غیر خودش یا با بدن، یا با زبان یا با قلب (مفردات راغب، ص ۸۳۴)

۲- از نظر اصطلاحی:
مهجوریت در اصطلاح این است که مردم قرآن را رها کرده و به دستورات و تعالیمش پایبند نیستند، و در عمل این قرآن را به دست فروموشی سپردند. قرآنی که رمز حیات طیبیه و وسیله نجات و رستگاری است. قرآنی که عامل پیروی و حرکت و ترقی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است. در واقع قرآن برای آنها به صورت یک کتاب زینتی و تشریفاتی مقدس درآمده است.

دلایل مهجوریت‌زدایی

(الف) دلایل عقلی

۱- غرض الهی از انزال کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم عمل به او بوده نه صرفا خواندن

(الف) مرحوم علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان، جلد ۱۵ صفحه ۲۸۴ می‌نویسد: کلمه هجر به فتح‌ها، و سکون جیم به معنای ترک است. از ظاهر سیاق بر می‌آید که جمله: «وقال الرسول» عطف بر رسالت و کتاب او طعنه می‌زنند. (و آن را در عمل ترک می‌کنند) می‌نویسد: این سخن و این شکایت پیامبر(ص) امروز نیز همچنان ادامه دارد که از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برد که این قرآن را به دست فروموشی سپردند. قرآنی که رمز حیات است و وسیله نجات. قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی است. قرآنی که ملو از برنامه‌های زندگی می‌باشد این قرآن را رها ساختند و حتی برای قویان مدنی و اعتبار حاصل‌اند. گدایی به سوی دیگران کرد کردند. هم اکنون اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی مخصوصاً آنها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، نظری بینکنیم می‌بینیم که قرآن در میان آنها به صورت یک کتاب تشریفاتی در آمده است. (ج) محبت‌انسانل قرآنی در تفسیر نور ذیل آیه ۳۰ سوره فرقان می‌نویسد: باید تلاشی همه‌جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت درآوریم، و آن را در همه ابعاد زندگی محور علمی و عملی قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام(ص) را جلب کنیم (و مشمول شکایت آن حضرت قرار نگیریم)
نخاوننن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندانن آن، تدبیر نکردن در آن، تعلیم نداشتن به دیگران و عمل نکردن به آن از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را آفر گیرد ولی آن را کنار گذارد و از عمل نکند، او نیز قرآن را مهجور کرده است. در قیامت یکی از تسکایان پیامبر اکرم(ص) است. تلاوت ظاهری کافی نیست، بلکه مهجوریت‌زدایی لازم است.



سلوک عارفانه

اسلام تنها دین تمدن‌ساز

شما اگر دهافت قرن یاهاشت قرن پیش مخصوصاً اگر بروید جلوی یعنی چهار، پنج قرن اول اسلام) می‌بینید که تمدنی که دنیا را اداره می‌کرد، همین تمدن اسلامی بود، تمدنی بود که اسلام به وجود آورد. اصلا تمدن اسلامی، یعنی تمدنی که اسلام به وجود آورد، اسلام بگانه دینی است که خودش پیداآورده تمدن بوده است و دین دیگری شما در دنیا سراغ ندارید که خودش تمدنی به وجود آورده باشد(۱)

۱- تربیت و رشد اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره) پیش‌مطهر، ج ۱۲، ص ۲۰۱